

فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی زرتشتیان در دوره رضاشاه

مسعود دادبخش، دانش آموخته دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی (نویسنده‌ی مسئول)
حسین مفتخری، استاد گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی

چکیده

با به قدرت رسیدن رضاشاه، به دلیل علاقه حکومت به پررنگ‌تر شدن تاریخ و نمادهای باستانی ایران، آئین زرتشت به‌عنوان دین باستانی کشور بیش‌ازپیش مورداحترام قرار گرفت و وضعیت اجتماعی پیروان این آئین _که از اواسط دوره قاجار و با ایجاد ارتباط با جامعه پارسیان هند به پیشرفت‌هایی دست پیدا کرده بودند_ بهبود یافت. از سوی دیگر مدرن سازی و یکپارچه‌سازی سیستم فرهنگی و آموزشی کشور به یکی از اهداف اصلی حکومت تبدیل شد و مدارس نوین و گروه‌های فرهنگی و هنری زیادی با حمایت‌های دولت تشکیل گردید. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که تحولات صورت پذیرفته در این دوره چه تأثیری بر روی جایگاه فرهنگی زرتشتیان ایران گذاشت و نقش آنان در پیشرفت‌های فرهنگی و آموزشی کشور در این ایام تا چه حد بود؟ آن‌طور که از بررسی‌های توصیفی _تحلیلی منابع کتابخانه‌ای، اسناد، مکتوبات و احصائیه‌های آموزشی به دست می‌آید جایگاه اجتماعی و فرهنگی زرتشتیان در دوره رضاشاه پیشرفت زیادی پیدا کرده است و آنان توانسته‌اند در پیشبرد اهداف فرهنگی، هنری و آموزشی کشور اثرگذاری بالایی داشته باشند.

واژه های کلیدی: مدارس زرتشتی، رضاشاه، پارسیان هند، تئاتر زرتشتیان، صنعت سینما.

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۰۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۵

*E-mail: dadbakhsh.masoud@gmail.com

مقدمه

از اواسط عهد ناصری و با حضور مانکجی به‌عنوان اولین نمایندهٔ جامعهٔ پارسیان هند در ایران حلقهٔ ارتباطی بین زرتشتیان ایران و هند مستحکم‌تر گردید. مانکجی و سایر نمایندگان جامعهٔ پارسیان هند در ایران، افزون بر تلاش برای رفع مشکلات معیشتی و اقتصادی زرتشتیان ایران، با تأسیس مدارس و انجمن‌های زرتشتی اقدام به انجام اصلاحات گسترده‌ای در حوزه‌های فرهنگی و آموزشی نمودند. با پیروزی انقلاب مشروطه و بازتر شدن فضای جامعه، اثرگذاری زرتشتیان در حوزه‌های فرهنگی و آموزشی افزایش پیدا کرد. تأسیس هیئت نمایش تئاتر و ساخت مدارس مختلف آموزشی در این ایام نشان از رشد فکری و فرهنگی جامعهٔ زرتشتی ایران دارد. با به قدرت رسیدن رضاشاه و با توجه به علاقهٔ حکومت وی به تقویت ملی‌گرایی و ناسیونالیسم در ایران، آئین زرتشت به‌عنوان دین باستانی کشور بیش‌ازپیش مورداحترام قرار گرفت و پیروان این آئین به‌عنوان ایرانیان اصیل، از آزادی‌های اجتماعی بیشتری نسبت به دوره‌های قبل برخوردار شدند. ارتباطات گستردهٔ فرهنگی با جامعهٔ پارسیان هند و سرمایه‌گذاری آنان در نوسازی ساختار مدارس زرتشتی کشور باعث افزایش اهمیت مدارس زرتشتی و رشد آنان شد. از سوی دیگر تفکر تمرکزگرایانهٔ حکومت رضاشاه باعث گردید تا مدارس زرتشتی نیز به‌مانند سایر مدارس کشور زیر چتر قانون مشترک آموزشی قرار بگیرند و حتی از بودجه‌های دولتی نیز استفاده کنند. در زمینه‌های فرهنگی و هنری نیز ساخت یکی از نخستین سالن‌های خصوصی تئاتر در این دوران توسط زرتشتیان تهران رقم خورد و صنعت سینمای ناطق کشور نیز با سرمایه‌گذاری و کارگردانی یکی از پارسیان هند به نام اردشیر ایرانی آغاز به کار کرد. در این مقاله میزان نقش‌آفرینی زرتشتیان در مسائل فرهنگی، هنری و آموزشی کشور در دورهٔ حکومت رضاشاه از زوایای مختلف موردبررسی قرار گرفته است. آن‌طور که مشخص می‌شود این نقش‌آفرینی بسیار گسترده بود و کانون‌های فرهنگی و آموزشی زرتشتیان ایران در این دوره، به مهم‌ترین و مؤثرترین کانون‌های آموزشی و فرهنگی کشور تبدیل شده بودند.

تاکنون کمتر تحقیقی به‌صورت جامع به بررسی فعالیت‌های فرهنگی، هنری و آموزشی زرتشتیان در دوره رضاشاه پرداخته است و معدود پژوهش‌هایی که در این باره وجود دارند، هرکدام از متغیرهای مطرح‌شده را به‌صورت مجزا و در دامنه‌ای وسیع‌تر موردبررسی قرار داده‌اند. به‌طور مثال آمنه شاهمردانی در بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با نام «مدارس اقلیت‌های دینی و جایگاه آن‌ها در نظام آموزشی ایران از آغاز مشروطه تا پایان حکومت رضاشاه»، به‌صورت مختصر به توصیف مدارس زرتشتی

در دوران حکومت رضاشاه پرداخته است (شاهمردانی، ۱۳۹۳). هاشم رضی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «زندگی زرتشتیان در یک قرن اخیر: انجمن‌ها و سازمان‌ها» اشاراتی به مدارس زرتشتیان در این دوره داشته است (رضی، ۱۳۶۵). سایر پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مدارس زرتشتیان نیز غالباً مربوط به دوره قاجار هستند. از سوی دیگر فعالیت‌های هنری زرتشتیان در شاخه سینما نیز کمتر مورد توجه محققان و پژوهش‌گران مختلف قرار گرفته است و تنها تحقیقاتی درباره فعالیت ایشان در زمینه هنر تئاتر وجود دارد. آندرانیک هویان در دو مقاله نزدیک به هم سالن‌های تئاتر زرتشتیان تهران را مورد بررسی قرار داده است (هویان، ۱۳۷۲؛ هویان، ۱۳۶۹). نسرین خنجری نیز در کتابی تحت عنوان «تئاتر زرتشتیان ایران (۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ خورشیدی)» به بررسی فعالیت تئاتر زرتشتیان در دوره پهلوی پرداخته است. نویسنده کتاب به دلیل زرتشتی بودن توانسته است اطلاعاتی را از هنرمندان زرتشتی در این باره کسب کند، اما از آنجایی که این کتاب در واقع بخشی از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد وی بوده، در حد پژوهشی دانشجویی باقی مانده است (خنجری، ۱۳۹۵). گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است. در این تحقیق سعی بر آن است که با توجه به منابع موجود اعم از اسناد، کتب خاطرات رجال سرشناس زرتشتی، روزنامه‌ها، احصائیه‌های آموزشی و با روشی توصیفی و تحلیلی به بررسی فعالیت‌های هنری و آموزشی زرتشتیان در دوران حکومت رضاشاه پرداخته شود. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر برای ارجاع به اسناد سازمان اسناد ملی ایران، از واژه اختصاری سامکا استفاده شده است.

فعالیت‌های فرهنگی جامعه زرتشتی در دوره رضاشاه

با به قدرت رسیدن رضاشاه و کاهش فشارهای اجتماعی بر روی جامعه زرتشتی ایران و افزایش تبلیغات حکومتی به منظور ترویج تفکرات باستان‌گرایانه در کشور، فعالیت‌های فرهنگی زرتشتیان نیز گسترش پیدا کرد. در این دوران «کانون ایران باستان» با مدیریت عبدالرحمن سیف آزاد و با یاری دینشاه ایرانی و چند سرمایه‌دار زرتشتی برای شناساندن بیشتر فرهنگ و تمدن ایران باستان و کسب اطلاعات درباره صنعت و تجارت ایران در خیابان شاهپور تهران تأسیس شد (ستاری، ۱۳۹۴: ۱۰؛ هواواله، ۱۳۴۴: ۱۲۶). این کانون از اول بهمن‌ماه سال ۱۳۱۱ هفتم‌نامه‌ای رنگی بانام «ایران باستان» منتشر می‌کرد که در سرلوحه آن نمادهای زرتشتی مانند پیام «پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک» و تصویر «فروهر» وجود داشت و مطالبی درباره تاریخ و باورهای ایران باستان در آن به چاپ می‌رسید

(ستاری: همان). در اردیبهشت سال ۱۳۱۱ خورشیدی تاگور شاعر معروف هندی به همراه سردین شاه ایرانی و جمعی از بزرگان جامعه پارسین هند، به منظور گسترش ارتباطات فرهنگی به ایران سفر کردند و در یکی از عمارت‌های مجلل مربوط به مجلس اسکان یافتند. وظیفه پذیرایی از آنان را نیز ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی بر عهده گرفت (هدایت، ۱۳۴۴: ۳۹۳). نکته جالب آن‌که این سفر اعتراضاتی را در میان جامعه پارسین هند نیز به وجود آورد. به طوری که یکی از روزنامه‌نگاران پارسی به نام «ج. ک. نریمان» در ۱۱ جولای ۱۹۳۲ (۲۰ تیر ۱۳۱۱) در نامه‌ای که به «محمد اقبال لاهوری» فرستاده است، دیدار تاگور از ایران را نمایشی مسخره و فریبنده عنوان می‌کند در بخشی از این نامه، این‌گونه آمده است: «دیدار تاگور از ایران یک نمایش مسخره بود. این بنگالی زیرک، پارسین فناتیک را دست انداخته است...» (نوذری، ۱۳۷۶: ۱۷۷؛ مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره سند: ۴/۱-۲۹-۳۴۵ آ). در همین سال دولت ایران کرسی فرهنگ ایران باستان را در دانشگاه وشوابه‌ارتی هند (۱) تأسیس کرد. محمدعلی فروغی وزیر امور خارجه وقت ایران در جواب نامه تشکر تاگور تأسیس این کرسی را به وظیفه ایرانیان و جبران خدمات ۱۲۰۰ ساله هندیان به زرتشتیان مهاجر ایران (پارسین) دانست (هواواله، ۱۳۴۴: ۱۰۹). با تمام این اوصاف بزرگ‌ترین فعالیت‌های فرهنگی زرتشتیان در این دوران مربوط به صنعت سینما و تئاتر است.

نقش زرتشتیان در پیشرفت تئاتر کشور

از اواخر حکومت قاجار و در دوره حکومت رضاشاه پهلوی با ایجاد ارتباطات بیشتر با دنیای مدرن، عناصر فرهنگی و تمدنی در ایران قدرت و نفوذ بیشتری پیدا کردند. فعالیت‌های نمایشی که تا پیش‌ازاین تاریخ بیشتر جنبه مذهبی (مانند تعزیه و شبیه‌خوانی) داشتند، در این دوران افزون بر درآمدزایی برای امور خیریه، تبدیل به ابزاری قدرتمند برای شناسایی فرهنگ و تمدن نوین به مردم ایران شدند (سپهران، ۱۳۸۸: ۶۸). آن‌طور که مشخص است زرتشتیان و آرامنه ایران به دلیل داشتن ارتباطات فرهنگی بیشتر با دنیای مدرن و کمتر بودن محدودیت‌های دینی و اعتقادی آنان، در زمینه فعالیت‌های هنری و فرهنگی سده جدید حضور پررنگ‌تری داشتند. طبق برخی نظریات ریشه تئاتر در تاریخ ایران به دوره هخامنشی و بازسازی واقعه کشته شدن بردیای دروغین (گئومتای) به دست داریوش اول هخامنشی باز می‌گردد که با نام یونانی Magophonia به معنای جشنواره مغ‌کشی

برگزار می‌شد (فلاح‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۵). در ایران پس از اسلام نیز فعالیت‌های نمایشی بیشتر در قالب مراسم مذهبی مانند تعزیه و شبیه خوانی صورت می‌گرفت.

با وقوع انقلاب مشروطه، بازتر شدن فضای اجتماعی جامعه و بهبود وضعیت اجتماعی زرتشتیان، گروهی نمایشی با نام شرکت نمایشی ایرانیان توسط زرتشتیان تهران افتتاح شد که اولین اثر خود را با نام «بازرس» اثر «گوگول» در سال ۱۳۲۸ ه.ق در پارک اتابک به روی صحنه برد. فعال‌ترین عضو این گروه رئیس مدرسه زرتشتیان تهران ملقب به «دایی مترجم» و «مترجم همایون» بود که علاوه بر تصنیف نمایشنامه‌های ایرانی، برخی نمایشنامه‌های خارجی را نیز ترجمه می‌کرد (بزرگمهر، ۱۳۷۵: ۸۰). افلاطون فرزند ارباب کیخسرو که از اولین مترجمین، نمایشنامه‌نویسان و کارگردانان تئاتر در ایران بود، در اواخر قرن ۱۳ هجری شمسی سالن تئاتر زرتشتیان، که به نوعی از اولین سالن‌های نمایش خصوصی و غیر دولتی ایران به شمار می‌آمد را بنا نهاد. وی با همراهی هشت نفر از زرتشتیان فرهنگ دوست دیگر با نام‌های: شاهرخ کیخسرو شاهرخ، مهربان خداداد مهر، شهریار خداداد فرارونی، شاه بهرام فرهاد، مهربان شاهویر، میرزا شاه جهان گودرزو، شهریار سروش گودرزو و سهراب مهربان سفرنگ «هیئت نمایش زرتشتیان» را در سال ۱۲۹۶ ه.ش در تهران افتتاح کردند (۲) که هدف آن اکران فیلم و اجرای نمایشنامه و کسب عواید برای خیریه‌های زرتشتی بود. این هیئت پس از مدتی با درآمدی که از این طریق به دست آورد در چهارراه قوام السلطنه، کوچه شاهرخ و در محل مدرسه دخترانه ایرج سالن تئاتری بر پا کرد. این سالن با اسلوبی صحیح ساخته شده بود و از نظر نور، تجهیزات و امکانات از تمامی سالن‌های نمایش موجود در تهران مجهزتر بود از این رو سالن تئاتر زرتشتیان اولین سالن تئاتر واقعی آن روزگار تهران به شمار می‌آمد (هویان، ۱۳۶۹: ۶۷-۶۸؛ هویان، ۱۳۷۲: ۴۳۶؛ خنجری، ۱۳۹۵: ۳۵).

در سال ۱۳۰۷ ه.ش در سالن تئاتر زرتشتیان نمایشنامه‌های بیژن و منیژه، لیلی و مجنون و وامق و عذرا به کارگردانی ظهیرالدینی و نمایشنامه‌های مریض خیالی و حاج عبدالشکور توسط سید علی نصر به روی صحنه آورده شدند (هویان، ۱۳۷۲: ۴۳۸). در بهمن ماه همان سال در شرایطی که جامعه بسته ایرانی روی چندان خوشی به هنرهای نمایشی نشان نمی‌داد، آپرت (۳) خسرو، شیرین و فرهاد توسط جامعه هنری باربد در سالن زرتشتیان اجرا شد (دهلوی، ۱۳۰۷: ۲). در سال ۱۳۰۸ ه.ش افلاطون کیخسرو شاهرخ با همراهی دو هنرمند ارمنی (۴) در سالن زرتشتیان، تئاتر سیروس را بنیان نهادند. آنان سالن تئاتر زرتشتیان را بازسازی کرده و امکانات رفاهی بیشتری برای آن در نظر گرفتند و نام آن را «تئاتر سیروس» گذاشتند و برای آموزش هنر تئاتر به علاقه‌مندان، «استودیو تئاتر» را نیز در کنار آن

تأسیس کردند (هویان، همان). تئاتر سیروس به‌عنوان اولین تئاتر دائمی ایران با اطلاعیه‌ای به تاریخ ۱۳۰۸/۷/۲۹ ه.ش در تالار زرتشتیان به آدرس «دفتر تئاتر سیروس؛ کوچه آدریان، نمره ۳، نمره تلفن: ۱۸۷۵» در تهران تشکیل شد و این اتفاق از طرف هیئت مدیره به اطلاع تیمورتاش وزیر دربار دولت رضاشاه رسید. نامه‌ای که از طرف هیئت رئیسه به دربار پهلوی فرستاده شده است و اعلامیه عمومی افتتاح تئاتر «سیروس»، هر دو با عبارت «اولین تئاتر دائمی ملی ایران «سیروس»» شروع شده‌اند و نشان از تأکید هیئت رئیسه بر این امر دارد. در این نامه هدف از تأسیس «آموزش و اجرای تئاتر در کشور» عنوان شده است و در متن اعلامیه درباره افتتاح این تئاتر این‌گونه آمده است: «در این عصر طلایی تجدد ایران که ایرانیان از هر حیث با اشتیاق تمام به طرف ترقی سیر می‌نمایند و به تجدد صنایع صنایع مستظرفه ملی با توجه مخصوص نگاه می‌کنند نبودن یک تئاتر ملی در ایران که بتواند در موقع استراحت هم به اهالی محترم درس اخلاق و تربیت بدهد از طرف متتورین و ترقی خواهان و متجددین یک نقطه محسوس بود. بنابراین اولین تئاتر ملی دائمی ایران به نام اولین مؤسس سلطنت ایران سیروس [کبیر] (۵) تأسیس گردیده تا اهالی محترم در مواقع استراحت دماغ استفاده اخلاقی کرده باشند. این مؤسسه حاضر شده است که مطابق اقتضای وقت و محل موانعی که تا امروز در جلو بود برداشته و نواقص آن را تکمیل نماید...» (اسنادی از موسیقی، تئاتر و سینما در ایران، ج ۱، ۱۳۷۹: ۴۹-۵۱).

نمایشنامه‌های زیادی در این سالن اجرا شد و اهمیت تئاتر سیروس تا حدی افزایش پیدا کرد که در سال ۱۳۰۸ ه.ش ملکه افغانستان اپرتی با نام جشن گل‌ها را در تئاتر سیروس مشاهده کرد. با وجود این فعالیت‌های تئاتر سیروس محدود به سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ ه.ش باقی ماند (هویان، ۱۳۷۲: ۴۳۹-۴۴۰). ارباب افلاطون کیخسرو در سال ۱۳۰۹ ه.ش تئاتر نکیسا، را افتتاح کرد (۶). هنرمندان بسیاری در آن به فعالیت هنری پرداختند و نمایشنامه‌های زیادی در آن‌جا به روی صحنه رفت که نمایش‌های عاشقانه و تاریخی آن مانند لیلی و مجنون، نادرشاه، رستم و سهراب و ... غالباً نوشته‌ها و یا اقتباسات ارباب افلاطون بودند (ملک‌پور، ۱۳۸۶: ج ۳، ۴۰). جایگاه اجتماعی این گروه زرتشتی تا حدی افزایش پیدا کرد که اپرای مادر وطن نوشته ارباب افلاطون جزو نمایشنامه‌های دولتی به حساب می‌آمد و در جشن‌ها و مراسم دولت اجرا می‌شد (بزرگمهر، ۱۳۷۵: ۱۷۱). همچنین در سال ۱۳۱۵ ه.ش در مدرسه فیروز بهرام سالن تئاتری تأسیس شد که مورد استفاده گروه‌های زرتشتی قرار می‌گرفت. در این سالن نمایش‌هایی مانند بیژن و منیژه و بعدها کوروش کبیر بر روی صحنه رفت (حیدری، ۱۳۷۰: ۲۷۰-۲۷۱).

نقش زرتشتیان در صنعت سینمای ایران

زرتشتیان از نخستین بنیان‌گذاران تئاتر و سینمای ناطق در ایران به شمار می‌آیند. به نظر می‌رسد که عدم تعصبات و محدودیت‌های مذهبی و سرمایه‌گذاری‌های جامعه پارسیان هند از مهمترین دلایل این اتفاق باشد. این در شرایطی است که مسیحیان ایران نیز در زمینه هنری فعالیت گسترده‌ای داشتند و به نوعی از نخستین سازندگان سینمای صامت در ایران به شمار می‌روند (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۲۸-۳۱). در سال‌های ابتدایی افتتاح سینمای صامت در ایران، به دلیل تعصبات جامعه، زنان را به سالن‌های سینماها راه نمی‌دادند اما با تأسیس سالن سینمای زرتشتیان نه تنها این مشکل رفع شد بلکه حضور زنان مورد تشویق نیز قرار می‌گرفت (مهرابی، ۱۳۷۱: ۲۰) و مجموعه فیلم‌هایی به نام «روت رولاند» در سینمای زرتشتیان «دایر در مدرسه دخترانه زرتشتیان» مخصوص بانوان به نمایش در می‌آمد و آنان با خرید هر بلیت یک بلیت دیگر نیز به رایگان دریافت می‌کردند. متن آگهی روزنامه اطلاعات در روز ۱۸ ام اردیبهشت ۱۳۰۷ ه.ش به شرح زیر بود: «سینما زرتشتیان / در مدرسه دخترانه زرتشتیان بالای خیابان قوام السلطنه / خانم‌های محترمه از امشب سری پنجم فیلم مشهور روت رولاند آرتیست معروف که از برجسته‌ترین قسمت‌های آنست شروع می‌شود. از دیدن آن غفلت نفرموده از موقع استفاده فرمایید که با خرید یک بلیط تا بیستم اردیبهشت یک بلیت دیگر به شما مجاناً تقدیم می‌شود. که با هر بلیط می‌توانید یک شب تا آخر اردیبهشت به سینما تشریف بیاورید.» (اطلاعات، ۱۳۰۷، ش ۴۸۴: ۴) (۷)

با وجود این پر رنگ‌ترین اثر گذاری زرتشتیان در عرصه تجاری و صنعتی سینما، سرمایه‌گذاری آنان برای ساخت اولین فیلم‌های ناطق سینمای ایران توسط عبدالحسین سپنتا بود. عبدالحسین سپنتا مدتی در مدرسه زرتشتیان (بعدها نام جمشید جم گرفت) تحصیل می‌کرد و در دوران جوانی در روزنامه زرتشتیان مطلب می‌نوشت. وی به دلیل تحصیل در مدرسه زرتشتیان با سهراب سفرنگ از بنیان تئاتر زرتشتیان تهران آشنا شد و مدتی در تماشاخانه زرتشتیان به تحصیل و یادگیری نقاشی و تئاتر پرداخت. در سال ۱۳۰۶ ه.ش به پیشنهاد اردشیرجی که از دوستان داییش بود به هندوستان سفر کرد و در بمبئی به تحصیل در زمینه تاریخ و فرهنگ و ادبیات کهن پرداخت. در بمبئی با دینشاه ایرانی رئیس انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی آشنا شد و به ترجمه آثار وی به زبان فارسی و تألیف کتاب‌هایی درباره ادبیات، تاریخ باستانی ایران، آئین زرتشت و آموزش آن پرداخت و حتی به اعتقاد برخی محققین نام خانوادگی خود را به پیشنهاد سر دینشاه سپنتا گذاشت. روابط سپنتا با دینشاه ایرانی و انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی تا حدی گسترش پیدا کرد که در اردیبهشت سال ۱۳۱۱ ه.ش و به هنگام حضور تاگور و دینشاه

در ایران آنان را همراهی نمود. دینشاه که از علاقه وی به سینما مطلع بود او را به اردشیر خان ایرانی از پارسیان هند و مدیر کمپانی امپریال فیلم بمبئی معرفی کرد. اردشیر خان که در سال ۱۹۳۱ م نخستین فیلم ناطق سینمای هند به نام عالم آرا را ساخته بود با پیشنهاد سپنتا برای ساخت فیلمی ایرانی و سرمایه‌گذاری در سینمای ایران موافقت کرد. دختر لر با مقداری تغییرات در موضوع، با نویسندگی عبدالحسین سپنتا و کارگردانی و تهیه‌کنندگی اردشیر خان ایرانی در سال ۱۳۱۲ ه.ش / ۱۹۳۳ م (۸) ساخته شد (امید، ۱۳۷۴: ۶۳-۷۰؛ شعاعی، ۲۵۳۵: ۴۴؛ مهرابی، ۱۳۷۱: ۲۷-۲۹).

آگهی‌های پخش این فیلم بدون معرفی نام آن از خرداد ماه ۱۳۱۲ ه.ش در روزنامه ایران چاپ می‌شد هرچند که نخستین اکران عمومی آن از ۳۰ آبان ۱۳۱۲ در سینما مایاک آغاز گردید. اکران این فیلم به حدی با استقبال بینندگان ایرانی مواجه شد که پس از اتمام تاریخ ۳۷ روزه قرارداد، مدیریت سینما مایاک قراردادی را برای اکران این فیلم به مدت ۱۲۰ روز در سینما سپه، شعبه دیگر سینما مایاک از تاریخ ۷ دی ۱۳۱۲ امضا کرد. این فیلم چندین بار دیگر تا سال ۱۳۱۴ ه.ش در سینماهای مایاک و سپه اکران شد (امید، ۱۳۷۴: ۷۰). دختر لر نه تنها نخستین فیلم ناطق ایرانی بود بلکه یکی از اولین فیلم‌های ناطق جهان به شمار می‌آید زیرا تنها پنج سال بعد از نخستین فیلم ناطق جهان با نام چراغ‌های نیویورک (۱۹۲۸ م) ساخته شد (مهرابی، ۱۳۷۱: ۲۹). عبدالحسین سپنتا به دلیل سال‌ها زندگی در میان زرتشتیان به قدری شبیه به آنان شده بود که این امر برخی از محققین را به شبهه انداخت که وی تغییر دین داده و به آئین زرتشت گرویده است (مددپور، ۱۳۷۶: ۱۳۶-۱۳۷). هرچند که برای رد و یا تأیید این موضوع مدرک مستند و مستدلی در دست نیست. سپنتا برای جشن هزاره فردوسی با همکاری اردشیر ایرانی به‌عنوان تهیه‌کننده، دومین فیلمش «فردوسی» را در سال ۱۳۱۳ ه.ش ساخت. این بار اردشیر تنها نقش تهیه‌کننده را ایفا کرد. وی فیلم شیرین و فرهاد را نیز با تهیه‌کنندگی اردشیر خان ایرانی و کمپانی امپریال ساخت. سال بعد از اردشیر جدا شده و با همکاری کمپانی هندی کریشنا فیلم «چشمان سیاه» را ساخت. سپنتا که از همکاری با این کمپانی چندان راضی نبود با وساطت یکی از دوستانش به نام بهمن ایرانی (فیلمبردار پارسی) کمپانی هندی ایست ایندیا فیلم را راضی به سرمایه‌گذاری کرده و آخرین فیلمش به نام «لیلی و مجنون» را جلوی دوربین برد (مهرابی، ۱۳۷۱: ۲۹-۳۱). سپنتا بعد از ساخت فیلم آخر به دلیل بیماری مادرش تصمیم به بازگشت به ایران و فعالیت در ایران را گرفت اما به دلیل عدم تمایل حکومت پهلوی برای ساخت فیلم، سرمایه‌گذاران هندی و پارسی نیز دلسرد شدند و حد فاصل ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۶ ه.ش دیگر هیچ فیلم ناطقی در ایران ساخته نشد (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۳۳؛ مهرابی، ۱۳۷۱: ۲۹-۳۱). می‌توان این‌گونه بیان کرد که حامی و

سرمایه گذار اصلی سینمای ایران در این ایام زرتشتیان پارسی و سایر کمپانی‌های هندی بودند و با انصراف آنان از ساخت فیلم در ایران سینمای کشوری به یک تعطیلی ده ساله دچار شد.

فعالیت‌های آموزشی زرتشتیان در دوره رضاشاه

با قدرت‌گیری رضا خان، تلاش برای ایجاد ثبات قدرت و تمرکزگرایی در کشور بیشتر شد و بودجه و اعتبارات فعالیت‌های عمرانی و فرهنگی کشور نیز به تدریج افزایش یافت. در راستای ایجاد وحدت رویه و یکپارچه‌سازی سیستم‌های آموزشی در اسفندماه سال ۱۳۰۰ شورای عالی فرهنگ با هدف نظارت بر اموراساس‌نامه‌ها، برنامه‌ها و امتحانات تمامی آموزشگاه‌ها و مدارس کشور به وجود آمد و نظارت دولت بر فعالیت‌های مدارس غیر دولتی (خصوصی) افزایش پیدا کرد (صدیق، ۱۳۵۵: ۱۸۶). در نیمه اول حکومت رضاشاه بودجه وزارت معارف چندین برابر شد و حدفواصل سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۰ ه.ش از ۷۷۳۱۳۸ تومان به ۲۶۷۵۰۳۷ تومان رسید که همین امر باعث افزایش تعداد مدارس نوین و دانش‌آموزان آن گردید. به طوری که تعداد مدارس کل کشور در حدفواصل سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۱۲ ه.ش تقریباً شش برابر شد و از ۶۱۲ مدرسه به ۳۶۰۰ مدرسه افزایش یافت و تعداد دانش‌آموزان کشور نیز که در سال ۱۳۰۱ ه.ش جمعاً ۵۵۱۳۱ نفر بود در سال تحصیلی ۱۳۰۹-۱۳۱۰ به ۱۸۱۶۹۸ (موقر، ۱۳۱۲: ۳-۴)، در سال ۱۳۱۵ ه.ش به ۲۵۷۵۵۷ نفر و در سال ۱۳۲۰ ه.ش به نزدیک ۵۰۰'۰۰۰ نفر افزایش پیدا کرد (Wilber, 136-۱۳۵).

این تغییرات در ساختار آموزش و پرورش به تدریج باعث تضعیف مدارس سنتی و دینی و تمایل عمومی جامعه به سمت مدارس نوین گردید به طوری که در حدفواصل سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ میزان ثبت نام مدارس جدید ۱۲ برابر شد و تعداد دانش‌آموزان مدارس ابتدایی از ۵۵۹۶۰ نفر در ۶۴۸ مدرسه ابتدایی به ۲۸۷۲۴۵ دانش‌آموز در ۲۳۳۶ مدرسه ابتدایی نوین رسید. این اتفاق در حالی صورت گرفت که در همین بازه زمانی میزان محصلان مکتب‌های سنتی چندان افزایشی نداشت و شمار طلاب مدارس دینی نیز از ۵۹۸۴ نفر به ۷۸۵ نفر کاهش پیدا کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۸۰).

اختصاص بودجه دولتی به مدارس زرتشتیان

تمایل حکومت پهلوی اول به نوسازی سیستم آموزشی کشور باعث شد تا بودجه بیشتری به مدارس مختلف اختصاص پیدا کند. از سوی دیگر این حکومت از بدو به قدرت رسیدن تلاش زیادی

برای یکپارچه‌سازی و تمرکزگرایی تمامی نهادهای کشور مانند نهادهای علمی و آموزشی از خود نشان داد که مدارس زرتشتیان نیز از این قاعده مستثنی نبودند. این مدارس در دوره رضاشاه از کمک‌های مالی و معنوی نهادهای دولتی و حکومتی استفاده می‌کردند اما از سوی دیگر بیشتر از قبل تحت نظارت نهادهای دولتی قرار داشتند و ملزم به رعایت قوانین علمی و آموزشی مصوب وزارت معارف بودند. از ابتدای حکومت پهلوی ارباب کیخسرو شاهرخ رئیس انجمن زرتشتیان تهران و نماینده مجلس شورای ملی تلاش گسترده‌ای برای اختصاص بودجه مخصوص به مدارس زرتشتیان تهران از سوی دولت داشت. در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۰۵ نامه‌ای از طرف وی به وزارت معارف ارسال شد که در این نامه ارباب کیخسرو مخارج سالانه مدارس زرتشتیان تهران را بیش از ۶۰۰۰ تومان عنوان کرده است و درخواست دارد که مدارس زرتشتی نیز به مانند سایر مدارس پایتخت از کمک‌های مالی دولت بهره‌مند شود. وی در این نامه می‌نویسد: «... متأسفانه از چندی به این طرف که ابواب تجارت و کسب و کار بر روی اهالی این مملکت، خاصه افراد زرتشتی بسته شده و رونق بازار کاسته گردیده و تجارت به درجه صفر رسیده است کسانی که از راه کمک و اعانه مخارج مدارس زرتشتیان را عهده‌دار می‌شدند قادر به ادامه آن نیستند... لذا با کمال احترام ... مستدعی است، در حالی که سالی مبالغی از خزانه مملکت به مدارس ملی و سایر مدارس در پایتخت کمک می‌شود امر و مقرر فرمایید مبلغی هم درباره مدارس زرتشتیان... مساعدت شود.»

دولت وقت پیرو نامه ارباب کیخسرو در ۱۳ مهر همان سال مصوب می‌کند که از ابتدای سال ۱۳۰۶ ه.ش ماهانه مبلغ ۱۰۰ تومان به مدارس زرتشتی تهران اختصاص پیدا کند (سامکا، شناسه بازبایی: ۲۹۷/۱۵۷۵۰). (۹) که میزان این کمک‌ها در سال ۱۳۰۸ ه.ش افزایش پیدا کرد (همان: ۲۹۷/۳۹۰۳۴). انجمن زرتشتیان کرمان (۱۱) نیز که برای اداره مدارس زرتشتی شهر دچار مشکلات مالی شده بود با حمایت ارباب کیخسرو شاهرخ از سال ۱۳۰۶ ه.ش هر ساله پیگیری دریافت کمک‌های مالی از سوی دولت شد، که درخواست آنان سرانجام در سال ۱۳۰۹ ه.ش از سوی وزارت معارف مورد پذیرش قرار گرفته و مبلغی به‌عنوان مقرری به مدارس زرتشتی کرمان اختصاص یافت که این مبلغ در سال ۱۳۱۲ ه.ش افزایش پیدا کرد (همان: ۲۹۷/۱۲۲۱۶). از سوی دیگر مدارس زرتشتی نیز مانند تمامی مدارس دیگر زیر چتر نظارتی وزارت معارف قرار گرفته و ملزم به رعایت قوانین صادره از سوی دولت شدند که برخی از این قوانین مختص مدارس اقلیت‌های دینی بود که مدارس زرتشتی نیز از این قاعده مستثنی نبودند. به طور مثال مدرسین مدارس دولتی اجازه تدریس در مدارس ملی و زرتشتی را نداشتند (همان: ۲۹۷/۲۶۳۵). و یا هنگامی که مدارس زرتشتی در سال ۱۳۱۵ ه.ش در تلاش

تلاش بودند تا برخلاف سرفصل‌های مصوب وزارت معارف در پایان سال از دانش‌آموزان امتحانات مذهبی درباره آئین زرتشت و اوستا برگزار کنند، این درخواست با این توضیح که: «دانش‌آموزان اطفال زرتشتی در مرکز بر طبق ماده هفتم قانون اساسی معارف از امتحان قرآن و شرعیات معاف می‌باشند و از آنان از کتاب اوستا نیز امتحان به عمل نمی‌آید» از سوی وزارت معارف رد شد (امینی، ۱۳۸۰: ۲۵۸-۲۶۴).

مدارس زرتشتیان یزد

در دوره قاجار و از اواسط عهد ناصری به بعد زرتشتیان اقدام به ساخت مدارس در شهرهای مختلف ایران کردند که این روند پس از پیروزی انقلاب مشروطه شدت یافت. بخشی از مدارس مهم زرتشتیان یزد در این ایام عبارت بودند از: مدرسه کیخسروی یزد، مدرسه پسرانه خدادادی، مدرسه هرمزدیاری، مدرسه دخترانه خرمشاه، مدرسه میسیون‌های مسیحی، دبستان دخترانه ایران‌دخت، دبستان خسروی یزد، مدرسه پسرانه خیرآباد یزد، مدرسه الله‌آباد، مدرسه روستای مزرعه کلانتر یزد، دبستان دینیاری (شهمردان، ۱۳۶۳: ۵۳۵-۵۳۷؛ تشکری بافقی، ۱۳۷۷: ۲۱۵؛ قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۵۳۵-۵۳۷). در دوره رضاشاه و با توجه به نوسازی سیستم آموزش و پرورش، ساختار این مدارس منسجم‌تر گردید و بسیاری از آنان در دل یکدیگر و به ویژه در موسسه مارکار ادغام شدند. مراکز آموزشی اصلی زرتشتیان یزد در دوره رضاشاه عبارت بودند از:

دبیرستان کیخسروی: در سال ۱۲۶۸ ه.ش به همت ارباب کیخسرو مهربان رستم از تجار معروف زرتشتی بمبئی در شهر یزد دبستانی با نام کیخسروی تأسیس شد. این مدرسه از مهمترین مراکز آموزشی زرتشتیان یزد و به نوعی محل تجمع روشنفکران زرتشتی بود زیرا افرادی همچون ماستر خدابخش، جوانمرد شیرمرد، کیومرس وفادار، اسفندیار تیرانداز و... که سردمدار قشر روشنفکر و اصلاح‌طلب زرتشتی بودند از همان سال‌های ابتدایی تأسیس مدرسه در آن به تربیت دانش‌آموز و ترویج تفکرات خود پرداختند (شهمردان، ۱۳۶۳: ۵۷۹). در سال ۱۳۰۶ ه.ش و با شروع نوسازی‌های آموزشی دوره پهلوی، اولین کلاس متوسطه به این دبستان اضافه شد و این روند هر ساله ادامه پیدا کرد تا آنجا که در سال تحصیلی ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ه.ش هر ۶ کلاس متوسطه مدرسه تکمیل شد و مدرسه به دبیرستان دبیرستان تبدیل شد. از سال ۱۳۱۸ ه.ش این مدرسه در اختیار اداره فرهنگ شهر یزد قرار گرفت و

بودجه آن از طرف ارباب رستم گیو نماینده وقت زرتشتیان تأمین شد (سالنامه دبیرستان کیخسروی، ۱۳۱۵: ۱۹-۲۶؛ سالنامه فرهنگ یزد، ۱۳۳۲: ۲۶).

مؤسسات آموزشی مارکار: آن طور که از بررسی اسناد برداشت می‌شود علیرغم تمامی قوانین و

مقررات

سخت‌گیرانه وزارت معارف در دوره رضاشاه بخش زیادی از مدارس زرتشتیان ایران، همچنان تحت نظارت

سرمایه‌گذاری پارسیان هند اداره می‌شدند که در شهر یزد اکثر این مدارس در قالب مؤسسات آموزشی مارکار قرار گرفتند. پشوتن جی دوسابایی مارکار از تجار پارسی بمبئی و از اعضای برجسته انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی در فروردین سال ۱۳۰۱ ه.ش/۱۹۱۵ م. اقدام به تأسیس پرورشگاهی برای کودکان زرتشتی نمود. این پرورشگاه تا سال ۱۳۰۶ ه.ش همواره با ۲۰ کودک اداره می‌شد که همزمان در مدارس خسروی و کیخسروی یزد به تحصیل مشغول بودند. به تدریج کلاس‌های درس آنان نیز در همان پرورشگاه تشکیل گردید و کارگاه‌های خیاطی، نجاری، قالی‌بافی، جوراب بافی، پارچه بافی و ... برای آنان ترتیب داده شد تا اوقات فراغت خود را در آنجا مشغول باشند. در خرداد ۱۳۱۲ ه.ش ساخت ساختمان بزرگ و جدیدی برای مؤسسات آموزشی مارکار آغاز گردید که مجموعاً گنجایش حدود ۸۰۰ دانش‌آموز را داشت که این ساختمان در مهرماه ۱۳۱۳ ه.ش در حضور خود پشوتن جی مارکار افتتاح شد (سالنامه دبیرستان ایران‌شهر، ۱۳۱۷: ۳۱؛ یادبود سالروز درگذشت پشوتن، ۱۳۴۵: ۷-۱۰؛ سالنامه فرهنگ یزد، ۱۳۲۸: ۴۲). این مؤسسه که تحت سرپرستی انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی اداره می‌شد اقدام به تأسیس مدارس زیادی در یزد و اطراف آن کرد و مدارس قدیمی‌تر شهر نیز در دل آن قرار گرفتند. در گزارش سالیانه مؤسسات خیریه پشوتن جی مارکار به علی اصغر حکمت وزیر معارف وقت، اسامی مدارس زرتشتی تحت نظارت انجمن زرتشتیان بمبئی و مؤسسه مارکار در ابتدای سال ۱۳۱۵ ه.ش به این صورت آمده است:

دبیرستان دخترانه مارکار با مجموع ۲۰۴ دانش‌آموز که ۱۸۰ نفر آن‌ها در کلاس‌های ابتدایی و ۲۴ نفر در دبیرستان مشغول به تحصیل بودند؛ ۲- دبستان دخترانه خرمشاه با مجموع ۷۹ دانش‌آموز؛ ۳- دبستان دخترانه کوچه بیک با ۵۵ دانش‌آموز (اول تا پنجم ابتدایی)؛ ۴- دبستان دخترانه مرواریدی تفت با مجموع ۳۲ دانش‌آموز (اول تا پنجم ابتدایی)؛ ۵- دبستان دخترانه جمشیدی رحمت آباد با ۴ کلاس (کلاس‌های اول تا چهارم) و مجموع ۲۲ دانش‌آموز؛ ۶- دبستان دخترانه قاسم آباد با ۴ کلاس و مجموع

مجموع ۲۶ دانش‌آموز، ۷۰- دبستان دخترانه خیرآباد با ۲۱ دانش‌آموز (اول تا پنجم ابتدایی) (سامکا، شناسه بازیابی: ۲۹۷/۳۷۰۴۸).

دبیرستان پسرانه مارکار با مجموع ۲۸۳ دانش‌آموز که از این تعداد ۲۲۸ نفر در مقطع ابتدایی و ۵۵ دانش‌آموز در مقطع دبیرستان به تحصیل می‌پرداختند و ۱۰ نفر نیز به‌عنوان معلم در این مدرسه مشغول بودند؛ ۲- دبستان پسرانه نصرت آباد که با مجموع ۳۷ دانش‌آموز؛ ۳- دبستان پسرانه علی آباد با مجموع ۳۵ دانش‌آموز؛ ۴- دبستان پسرانه شیرین بابا خندان تفت که با مجموع ۳۲ دانش‌آموز؛ ۵- دبستان پسرانه زین آباد با مجموع ۱۹ دانش‌آموز؛ ۶- دبستان پسرانه چم با مجموع ۲۰ دانش‌آموز (اول تا پنجم ابتدایی)؛ ۷- افزون بر مدارس فوق پرورشگاه پسرانه پشتون نیز با ۴۱ نفر به صورت شبانه روزی به فعالیت می‌پرداخت. این کودکان هر روز در اوقات فراغت خود به مدت دو ساعت در کارگرخانه جهانگیری به یادگیری حرفه‌های جوراب بافی، قالی بافی، ترمه بافی، نجاری و خیاطی مشغول می‌شدند (همان) (۱۲). که این مرکز با همت انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و ساختن ساختمانی مخصوص در همان سال، به هنرستان جهانگیری تبدیل شد (سامکا، شناسه بازیابی: ۲۹۷/۱۲۲۲۸). نکته مهم آن که مؤسسات خیریه آموزشی مارکار از پیشگامان تحولات و اصلاحات اجتماعی وسیع در جامعه سنتی یزد بودند. دبیرستان‌های مارکار هر هفته در روز یکشنبه جلسات انجمن ادبی خود را به صورت مختلط در سالن دبیرستان پسرانه برگزار می‌کردند و مدارس پسرانه این مؤسسه روزانه به مدت یک ساعت به تمرین ورزش‌های فوتبال، والیبال، هاکی و ... می‌پرداختند و حتی مسابقاتی را در این زمینه‌ها در سطح تمام مدارس یزد با حضور بیش از ۲۰۰ دانش‌آموز برگزار کردند. همچنین مدارس دخترانه وابسته به این مؤسسه نیز از پیشگامان ورزش بانوان و کشف حجاب در یزد و استفاده از لباس‌های نوین بودند (همان: ۲۹۷/۳۷۰۴۸).

دبیرستان دخترانه / یزد پیمان: در دوران قاجار مدرسه دخترانه‌ای توسط میسیون‌های مسیحی انگلستان و برای دختران زرتشتی یزد تأسیس شد که به نوعی اولین مدرسه دخترانه زرتشتیان یزد بود. شیوه آموزشی این مدرسه سنتی و تقریباً شبیه به مکتب‌خانه‌ها بود. با شروع جنگ جهانی و در سال ۱۲۹۴ ه.ش انگلیسی‌های حاضر در یزد این شهر را ترک کردند و مدرسه به حالت نیمه تعطیل درآمد تا آن‌که مجدداً در سال ۱۲۹۹ ه.ش توسط نماینده میسیون‌های مسیحی در ایران شروع به فعالیت نمود (تشکری بافقی، ۱۳۷۷: ۲۱۵). در سال ۱۲۹۹ ه.ش خانم آرموھی آیدین به‌عنوان مدیر مدرسه دخترانه میسیون‌های انگلیسی یزد انتخاب شد و این مدرسه مجدداً رونق پیدا کرد. وی در سال ۱۳۰۶ ه.ش این مدرسه را که در آن دختران زرتشتی به تحصیل می‌پرداختند با مدرسه دیگری که میسیون‌های مسیحی

برای دختران مسلمان یزد ساخته بودند ادغام کرد و دبیرستان دخترانه یزد پیمان را برای دختران زرتشتی و غیر زرتشتی تأسیس نمود. این دبیرستان دارای کتابخانه و آزمایشگاه نسبتاً مجهز بود و در آن به دختران خیاطی و آشپزی نیز آموزش داده می‌شد (همان: ۲۱۴؛ سالنامه فرهنگ یزد: ۳۴-۳۶). افزون بر مدارس مذکور تعدادی از دبستان‌های زرتشتی یزد مانند ایران‌دخت و دینیاری نیز در دوره رضاشاه به دبیرستان تبدیل شدند (سالنامه فرهنگ یزد، ۱۳۲۸: ۸۵-۸۶؛ همان، ۱۳۳۲: ۳۹-۴۰). همچنین در سال ۱۳۱۴ ه.ش ارباب رشید ایدون کودکان زرتشتی را مخصوص کودکان زرتشتی و مسلمان بنا کرد که در آن علاوه بر برگزاری کلاس‌های ورزش، بازی، سرگرمی و موسیقی هر روز به کودکان نهار و میوه داده می‌شد (سالنامه فرهنگ یزد، ۱۳۲۸: ۶۹؛ همان، ۱۳۲۹: ۷۸).

مدارس زرتشتیان کرمان

در دوره قاجار در شهر کرمان مدرسی مانند مدرسه پسرانه زرتشتیان کرمان، دبستان ایرانشهر، مدرسه دخترانه شهریاری و در محله‌های «محله شهر» و «پرموتن» مدارس دخترانه و پسرانه جمشیدی و ... وجود داشتند (شهمردان، ۱۳۶۳: ۵۶۴؛ قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۵۳۹-۵۴۰؛ سروش سروشیان؛ ۱۳۷۱: ج ۱، ۹-۱۲). با قدرت‌گیری رضاشاه و تغییر ساختار آموزشی کشور ۳ مدرسه اصلی زرتشتی در این شهر باقی ماند. که برنامه تحصیلی آن‌ها کاملاً تحت نظارت اداره معارف و اوقاف کرمان قرار داشت.

مدرسه کاویانی: این مدرسه در سال ۱۳۰۳ ه.ش و در دوران ریاست الوزرای رضاشاه توسط گیو اردشیر کاویانی در محله ناصریه کرمان و در زمین وقفی دینبار مهربان رشید تأسیس شد و بیشتر هزینه‌های آن از درآمد اوقافی، شهریه دانش‌آموزان و انجمن زرتشتیان کرمان تأمین می‌شد (روح الامینی، ۱۳۸۶: ۶۵؛ قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۵۲۸). در سال ۱۳۰۸ ه.ش مجموعاً ۱۹۳ دانش‌آموز در آن مشغول به تحصیل بودند که از این تعداد ۶۴ نفر در کلاس مقدماتی، ۴۶ نفر در کلاس آمادگی (تهیه) (۱۳)، ۵۰ نفر در کلاس اول و ۲۳ نفر در کلاس دوم به تحصیل می‌پرداختند و معمولاً این مدرسه با کسری بودجه مواجه بود (امینی، ۱۳۸۰: ۲۲۵-۲۲۶). تا آن‌که با اختصاص بودجه وزارت معارف به مدارس زرتشتی کرمان بخشی از مشکلات آن مرتفع گردید.

مدرسه ملی زرتشتیان: دبستان پسرانه زرتشتیان بود که از سال ۱۳۰۳ ه.ش تبدیل به مدرسه متوسطه شد و بودجه مورد نیاز برای اداره آن از طرف موقوفات انجمن، دریافت شهریه و کسری بودجه

توسط کمک‌های مالی خیرین تأمین می‌شد. تا سال ۱۳۰۸ ه.ش به دلیل داشتن کسری بودجه تنها یک بار دوره اول متوسطه به طور کامل در آن‌جا برگزار شد و پس از آن متولیان مدرسه به برگزاری کلاس اول متوسطه قناعت کردند. این مدرسه در سال ۱۳۰۸ ه.ش ۱۳۷ دانش‌آموز داشت که از این تعداد ۳۶ نفر در کلاس سوم، ۳۳ نفر در کلاس چهارم، ۳۷ نفر در دو گروه الف و ب در کلاس پنجم، ۱۸ نفر در کلاس ششم و ۱۲ نفر در کلاس اول متوسطه مشغول به تحصیل بودند. در سال ۱۳۱۴ ه.ش علی اصغر اصغر حکمت وزیر فرهنگ وقت در سفری که به کرمان انجام داد نام این مدرسه را به دبیرستان ایرانشهر تغییر داد (همان: ۲۲۷-۲۲۸)(۱۴).

مدرسه دخترانه شهریار: در سال ۱۳۳۷ ه.ق به همت ارباب شهریار خدابخش تفتی در محله دروازه نصریه کرمان و در قسمتی از منزل وقفی ارباب شهریار راوری تأسیس گردید. تا شهریور ۱۳۰۷ ه.ش تمام هزینه‌های مدرسه توسط ارباب شهریار خدابخش تأمین می‌گشت تا آن‌که از این تاریخ به بعد به پرداخت ۵۰ تومان اکتفا نمود؛ از این رو مدیر مدرسه مجبور به دریافت شهریه از دانش‌آموزان شد. لذا وضعیت اقتصادی نامناسب بیشتر دانش‌آموزان مدرسه باعث گردید که مبلغ زیادی از این راه عاید مدرسه نشود. به مرور زمان کمک‌های خیرین و کمک‌های ماهیانه دولت نیز به منابع مالی مدرسه اضافه شدند. در سال ۱۳۰۸ ه.ش ۱۷۱ دانش‌آموز در این مدرسه مشغول به تحصیل بودند که از این تعداد ۱۸ نفر در کلاس اول، ۱۸ نفر در کلاس سوم، ۲۱ نفر در کلاس چهارم، ۷ نفر در کلاس پنجم و ۵ نفر در کلاس ششم مشغول به تحصیل بودند (امینی، ۱۳۸۰: ۲۲۹-۲۳۰؛ روح الامینی، ۱۳۸۶: ۶۵؛ صرفه، ۱۳۵۷: ۵). در پی نامه نگاری‌های ریاست انجمن زرتشتیان کرمان با وزارت معارف سرانجام در سال ۱۳۰۹ ه.ش از سوی دولت مقرر برای مدارس زرتشتیان کرمان تعیین شد. از این تاریخ تعداد دانش‌آموزان زرتشتی و مسلمان این سه مدرسه به تدریج افزایش پیدا کرد و در سال ۱۳۱۲ ه.ش به ۶۳۸ نفر رسید. از این رو با تلاش و ممارست مجدد انجمن زرتشتیان کرمان و به دلیل نقش پررنگی که این مدارس در زمینه آموزش کودکان زرتشتی و مسلمان کرمانی داشتند میزان مقرر دولتی آنان افزایش یافت و به صورت رسمی در فهرست بودجه وزارت معارف قرار گرفت (سامکا، شناسه بازیابی ۲۹۷/۱۳۲۱۶).

مدارس زرتشتیان تهران

مانکجی نماینده پارسیان هند در ایران دبستان شبانه روزی زرتشتیان تهران را تأسیس کرد که تا پیروزی انقلاب مشروطه تنها مرکز آموزشی آنان در تهران به شمار می‌رفت. با پیروزی انقلاب مشروطه و بازتر شدن فضای فکری جامعه، مدارس زیادی مانند: دبستان جمشید جم (۱۵)، مدرسه دخترانه زرتشتیان تهران، دبستان دخترانه ایرج (۱۶) و ... توسط زرتشتیان در تهران برپا شد. در دوران حکومت رضاشاه دو مدرسه دخترانه و پسرانه زرتشتی انوشیروان دادگر و فیروز بهرام در تهران تأسیس یافتند و تبدیل به مهمترین مدارس کشور شدند به طوری که فرزندان رضاشاه و خاندان‌های بزرگ در آن‌ها مشغول به تحصیل گردیدند.

دبیرستان فیروز بهرام: بهرامجی بیکاچی از خیرین زرتشتی به یاد فرزندش فیروز هزینه ساخت مدرسه فیروز بهرام را در زمین متعلق به انجمن زرتشتیان تهران پرداخت کرد و دبیرستان مذکور در دی ماه ۱۳۱۲ ه.ش افتتاح شد (دبیرستان فیروز بهرام، ۲۵۳۵: ۳۶-۳۹؛ سالنامه دبیرستان فیروز بهرام، ۱۳۲۳، ص ۴؛ سالنامه آموزشگاه‌های زرتشتیان طهران، ۱۳۳۰: ۱۱۹)(۱۷). این مدرسه پس از افتتاح و تا زمان تأسیس دبیرستان دخترانه انوشیروان دادگر در سال ۱۳۱۵ ه.ش در اختیار دبیرستان دخترانه قرار گرفت اما پس از آن دبیرستان پسرانه به فیروز بهرام منتقل گردید (دبیرستان فیروز بهرام، ۲۵۳۵: ۴۰؛ ثبت دبیرستان فیروز بهرام در فهرست آثار ملی، ۱۳۸۰: ۲۹). این دبیرستان به یکی از مهمترین دبیرستان‌های دوره پهلوی تبدیل شد به طوری که حمیدرضا پهلوی فرزند رضاشاه در سال ۱۳۱۷ ه.ش در آنجا به تحصیل می‌پرداخت (دبیرستان فیروز بهرام، ۲۵۳۵: ۴۲-۴۳)(۱۸) علاوه بر وی افراد سرشناس زیادی در آنجا مشغول به تحصیل و تدریس شدند. مدیریت این مدرسه در بازه‌ای از زمان در اختیار مترجم همایون فره‌وشی قرار گرفت و معلمان معروفی مانند: حسین هورفر، ذبیح الله صفا، نائل خانلری، محمد جواد تربیت، محسن هشترودی، ابراهیم پور داود و... در آن به تدریس مشغول شدند. همچنین شخصیت‌های شناخته شده زیادی نیز مانند: منوچهر شاهقلی، دکتر فرهنگ مهر، بوذرجمهر مهر، سپهبد خاتم، مهرداد پهلبد، نعمت‌الله مین باشیان، علینقی و علیداد فرمانفرمائیان، مهرداد بهار، ایرج افشار، بیژن جلالی، مسعود برزین، عبدالمجید بیات مصدق (نوه دکتر مصدق) و حسنعلی منصور و... تمام یا بخشی از تحصیلات خود را در این مدرسه انجام داده‌اند (۱۹).

دبیرستان دخترانه انوشیروان دادگر: ارباب کیخسرو شاهرخ به واسطه اردشیر ریپورتر با یکی از زنان متول پارسی به نام راتن بایی بامجی تاتا فرزند انوشیروان جی راتن جی تاتا مذاکره کرد و وی را

متقاعد به پرداخت مخارج ساخت مدرسه‌ای به نام انوشیروان دادگر در خیابان شاهرضای وقت نمود. این مدرسه تحت نظارت انجمن زرتشتیان تهران، در سال ۱۳۱۵ ه.ش احداث شد (سامکا، شناسهٔ بازیابی: ۲۹۰/۵۰۱۲؛ سالنامه آموزشگاه‌های زرتشتیان طهران، ۱۳۳۵: ۲۰؛ دبیرستان انوشیروان دادگر، ۱۳۸۸: ۳-۸). اهمیت این مدرسه تا حدی بود که فاطمه پهلوی دختر رضاشاه تا سال ۱۳۲۰ ه.ش در این مدرسه به تحصیل می‌پرداخت. این دبیرستان همواره دارای ۵ کلاس متوسطه و یک کلاس اختصاصی ابتدایی و در سال آخر متوسطه برای فاطمه پهلوی بود (سالنامه آموزشگاه‌های زرتشتیان تهران، ۱۳۳۰: ۸۷).

نتیجه

آن‌طور که از بررسی‌های انجام شده به دست می‌آید در دوران حکومت رضاشاه پهلوی فعالیت‌های فرهنگی و هنری جامعهٔ زرتشتی گسترش پیدا کرد و مدارس زرتشتیان ایران نیز به مانند سایر مدارس کشور متحول شده و نسبت به ادوار قبلی از ساختار نوین‌تری برخوردار شدند. یکی از علل مهم این اتفاق بی‌تردید توجه خاص حکومت به مسئله مدرن‌سازی مدارس و تغییر ساختار آموزشی و فرهنگی کشور بود که باعث افزایش بودجه دولتی سیستم‌های آموزشی کشور گردید؛ که مدارس زرتشتی نیز به مانند سایر مدارس کشور از این اتفاق سود بردند. از سوی دیگر توجه ویژه حکومت رضاشاه به تاریخ و دین باستانی ایران به تدریج باعث کاهش فشارهای اجتماعی و اقتصادی بر روی زرتشتیان ایران شد و این اتفاق منتج به نقش‌آفرینی و اهمیت بیشتر آنان در مسائل اجتماعی ایران و به ویژه مسائل فرهنگی و آموزشی گردید. این امر موجب شد تا اثر گذاری زرتشتیان در صنعت سینما و تئاتر ایران و ساخت و نوین‌سازی مدارس زرتشتی ایران با حمایت‌های مادی و معنوی پارسیان هندوستان افزایش پیدا کند. این حمایت‌ها باعث رشد و اعتلای فرهنگی جامعه زرتشتی در ایران شده و زرتشتیان به نوعی از اولین پایه‌گذاران هنر تئاتر و صنعت سینمای ناطق در ایران بودند. همچنین این نکته را نیز باید در نظر داشت که توجه حکومت پهلوی به مسئله تمرکز گرایی در تمامی امور اداری و اجرایی باعث شد تا تمامی مدارس کشور از جمله مدارس زرتشتیان ایران موظف به رعایت قوانین و سرفصل‌های آموزشی مصوب باشند؛ که این اتفاق علیرغم ایجاد برخی محدودیت‌های اداری و آموزشی باعث یکسان‌سازی و مدرن‌سازی سیستم آموزشی مدارس کشور شد و کمک بیشتری به اهمیت یافتن مدارس زرتشتی ایران کرد. به طوری که به ویژه پس از تأسیس مدارس فیروز بهرام و انوشیروان دادگر بسیاری از

فرزندان خانواده‌های مشهور کشور که خود سال‌های بعد در میان رجال مشهور سیاسی و فرهنگی قرار گرفتند، در این مدارس به تحصیل پرداختند. اهمیت این مدارس در سال‌های پایانی حکومت رضاشاه به حدی رسید که فرزندان وی نیز در مدارس انوشیروان دادگر و فیروزبهرام به تحصیل مشغول شدند.

یادداشت‌ها

- ۱- vishva Bharti. این دانشگاه توسط راییند رانات تاگور در بنگال تأسیس شده بود.
- ۲ - آندرانیک هویان در مقالات و نسرین خنجری در کتاب و پایان‌نامه خود تعداد همراهان افلاطون کیخسرو را ۷ نفر با نام‌های: میرزا شاهرخ کیخسرو، میرزا مهربان خداداد، میرزا شهریار خداداد، میرزا شاه بهرام فرهاد، میرزا مهربان شاپور، میرزا شاه جهان گودرزو میرزا ظهرا مهربان معرفی کرده‌اند و سال تشکیل هیئت را ۱۲۹۵ ه.ش نوشته‌اند که با توجه به تصاویر به جای مانده، به نظر می‌رسد که سال تأسیس این گروه ۱۲۹۶ ه.ش بوده و تعداد نفرات و اسامی برخی از این افراد با فهرست نویسندگان مذکور متفاوت است. این تصاویر از کتابخانه یگانگی اخذ شده و برگرفته از آلبوم خانوادگی خانم فرین فرارونی (نوه شهریار خدامراد فرارونی) است.
- ۳ - Operette: نمایش اپرایی کوچکی که ارکستر آن آهنگ‌های عامیانه و تفریحی و سبک نواز و جنبه شوخ و شاد داشته باشد. فرهنگ لغت معین.
- ۴ - آرداشس نازاریان و آردو طریان.
- ۵ - در متن اصلی به این صورت آمده است.
- ۶ - پژوهشگران، اماکن مختلفی را برای محل تشکیل تئاتر نکیسا معرفی کرده‌اند که به نظر می‌رسد ناشی از تغییر مکان این گروه تئاتر در دوره فعالیت خود باشد. نسرین خنجری با تأثر از کتاب ادبیات نمایشی در ایران محل دائمی این سالن تئاتر را متفاوت از سالن زرتشتیان دانسته است اما آدرسی که برای این سالن تئاتر معرفی می‌کند نزدیک به سالن تئاتر زرتشتیان «خیابان قوام السلطنه جنب آتشکده زرتشتیان... تماشاخانه تابستانی زرتشتیان» است. هرچند که خود وی در صفحه ۳۵ کتاب خود می‌نویسد که به دلیل تفاوت‌هایی که در منابع مختلف در زمینه آدرس‌های این سالن‌ها آمده است نمی‌توان به طور قطعی در این باره نظر داد. آزیتا حیدری تئاتر گروه نکیسا را یکی از گروه‌هایی معرفی می‌کند که در سالن زرتشتیان اجرا داشته‌اند اما برای گروه نکیسا محل دیگری را نیز به نام تئاتر نکیسا در چهارراه استانبول به‌عنوان محل زمستانی تئاتر زرتشتیان معرفی کرده است. ناصر حبیبیان مؤلف کتاب تماشاخانه‌های تهران درباره تئاتر نکیسا این‌گونه اظهار نظر می‌کند: «تئاتر مرکزی لاله‌زار، خاکپور و تئاتر نکیسا نیز سال ۱۳۰۲ در لاله‌زار به راه افتاد. باغچه خانه خانم خاکپور در لاله‌زار به تماشاخانه تابستانی تبدیل شده بود و تا سال ۱۳۱۱ هم فعالیت می‌کرد. بعدترها تئاتر دائمی نکیسا در همان جا بنیان گذاشته شد.» نگاه کنید به: <http://www.ion.ir/News/۱۲۲۱.html>.
- ۷ - در روزنامه اطلاعات ۱۹ اردیبهشت نیز آگهی به این شرح آمده است: «سینما زرتشتیان_خانم‌های محترمه سری ششم سریال معروف روت رولاند از فردا شب شروع می‌شود.» (اطلاعات، ۱۳۰۷، ش ۴۸۵: ۴).
- ۸ - برخی منابع سال ساخت فیلم را ۱۳۱۱ ه.ش نوشته‌اند. با توجه به آنکه شروع به ساخت فیلم آپریل سال ۱۹۳۳ میلادی مقارن با فروردین ۱۳۱۲ ه.ش است، این تاریخ صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

۹- پیرو در خواست دولت، مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۰ فروردین ماه ۱۳۰۶ ه.ش قانونی ۸ ماده‌ای مبنی بر پرداخت بودجه اضافه سالانه به میزان ۲۸۵۹۰ تومان به وزارت معارف تصویب نمود که از این مبلغ میزان ۴۰۰ تومان آن برای هر ۴ ماه به‌عنوان کمک به مدرسه زرتشتیان اختصاص پیدا کرد. هر چند که با توجه صورت مشروح جلسه مجلس (یکشنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۳۰۶ مطابق ۷ شوال ۱۳۴۵، جلسه ۸۴) مشخص می‌شود که تا شهریور ۱۳۰۶ این مبلغ به مدارس زرتشتی تهران پرداخت نشد تا این که با پیگیری‌های ارباب کیخسرو قرار بر آن شد که ۵۰۰ تومان برای ۵ ماه گذشته از طرف خزانه پرداخت شود.

۱۰- میزان کمک ماهانه دولت تنها به دبستان‌های پسرانه و دخترانه زرتشتیان تهران به ترتیب ماهانه ۶۰ و ۵۰ تومان بود.

۱۱- به طور کلی بخش زیادی از هزینه‌های مدارس و مؤسسات فرهنگی زرتشتی از سوی انجمن‌های زرتشتی هر منطقه تأمین می‌شد و وظیفه نظارت بر آن‌ها نیز بر عهده این انجمن‌ها بود. انجمن‌های زرتشتی گاه در کوچکترین مسائل آموزشی مانند نمرات دانش‌آموزان نیز ورود پیدا کرده و دخالت می‌کردند. به طور مثال نگاه کنید به: سامکا، شناسهٔ بازیابی: ۲۹۷/۱۲۱۹۴.

۱۲- به‌طور کلی مجموعاً ۱۰۰۵ کودک در مدارس و پرورشگاه مارکار یزد مشغول به تحصیل بودند که از این تعداد ۴۳۸ نفر دختر و ۴۶۷ نفر پسر بودند.

۱۳- کلاس‌هایی که در گذشته به مدت یک سال و گاه کمتر و برای تربیت و آموزش شاگردان خردسالی که قصد ورود به دبستان داشتند تشکیل می‌شد. فرهنگ دهخدا.

۱۴- علی اصغر حکمت پیش از آن و در سفر به یزد کلنگ تأسیس مدرسهٔ ایرانشهر یزد را نیز به زمین زده بود. نگاه کنید به: لهراسب، سروش، «یک نامه»، هوخ، سال ۱۲، شماره ۶، ص ۱۲.

۱۵- دبستان جمشید جم مشهورترین دبستان زرتشتی و از معروف‌ترین دبستان‌های تاریخ ایران بود به طوری که بسیاری از شخصیت‌های سرشناس فرهنگی و سیاسی در این مدرسه به تحصیل پرداخته‌اند. حسنعلی منصور، مهرداد بهار و بیژن جلالی از جمله این افراد هستند. نگاه کنید به: ذوالفقاری، ابراهیم، «حسنعلی منصور»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۵، زمستان ۱۳۸۳، ص ۶۳. اسماعیل‌پور، ابوالقاسم، «مهرداد بهار، ایران شناس و پژوهشگر اسطوره شناس»، نامهٔ انسان شناسی، دورهٔ اول، ش دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۲۱۳؛ حیدری، مریم، «گفتگو با بیژن جلالی»، کلک، ش ۳۴، دی ۱۳۷۱، ص ۲۰۰.

۱۶- برای مطالعه بیشتر دربارهٔ این مدارس نگاه کنید به: سالنامه آموزشگاه‌های زرتشتیان طهران، سال تحصیلی ۱۳۳۴-۱۳۳۵، تهران، انتشارات دبیرستان فیروز بهرام، اردیبهشت ۱۳۳۵، ص ۱۲؛ سفرنگ، سهراب، «بازدیدهایی از زمان روان‌شاد ارباب کیخسرو شاهرخ در انجمن زرتشتیان»، هوخ، سال ۲۳، شماره ۴، تیرماه ۱۳۵۱، صص ۴۶-۴۹. علیزاده، محمد علی، «اصلاحات ارباب کیخسرو، نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی»، بررسی‌های نوین تاریخی، شماره ۴ و ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۹۶.

- ۱۷- سنگ بنای این دبیرستان در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۱ ه.ش با حضور دینشاه ایرانی رئیس انجمن ایرانیان بمبئی و تاگور به دست وزیر وقت معارف گذاشته شد.
- ۱۸- تصویر عکس دستجمعی دانش‌آموزان مدرسه فیروز بهرام در سال ۱۳۱۷ ه.ش در این نشریه به چاپ رسیده است که در آن شاهزاده پهلوی در کنار کیخسرو شاهرخ ایستاده است.
- ۱۹- نگاه کنید به: «زرتشتیان معاصر (گفتگو با بوذرجمهر مهر)»، ص ۱۲۸؛ افشار، ایرج، «درباره پور داود»، فرهنگ ایران زمین، شماره ۲۱، ۱۳۵۴، ص ۱۶؛ «مهرداد بهار، ایران شناس و پژوهشگر اسطوره شناس»، ص ۲۱۳؛ «گفتگو با بیژن جلالی»، ص ۲۰۰؛ «حسنعلی منصور»، ص ۶۳؛ تبریز نیا، مجتبی، «یادی از مرحوم مسعود رجب نیا»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، اسفند ۱۳۸۰، ص ۱۶؛ قاسمی، سید فرید، دهباشی، علی با همکاری ساطعی، طوبی، «گفتگو با مسعود برزین»، تاریخ شفاهی مطبوعات ایران، شماره ۲۵، مرداد ۱۳۸۱، ص ۱۳۲؛ افشار، ایرج، «یاد یحیی ذکاء»، بخارا، شماره ۱۷، فروردین ۱۳۸۰، ص ۳۹۳؛ افشار، ایرج، «تازه‌ها و پاره‌های ایرانشناسی»، بخارا، شماره ۲۶، مرداد ۱۳۸۲، صص ۵۱-۵۲؛ قاسمی، سید فرید، «سرگذشت ایرج افشار»، کتاب ماه، سال ۱۴، شماره ۶، خرداد ۱۳۹۰، صص ۶۲، ۷۰.

منابع

کتاب‌ها

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، چاپ یازدهم، تهران: نشر نی.
- اسنادی از موسیقی، تئاتر و سینما در ایران (۱۳۰۰-۱۳۵۷ ه.ش)*، (۱۳۷۹). ج ۱، تهیه و تنظیم معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر رئیس‌جمهور، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امید، جمال (۱۳۷۴). *تاریخ سینمای ایران ۱۲۷۹-۱۳۵۷*، تهران: انتشارات روزنه.
- امینی، تورج (۱۳۸۰). *اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران (۱۲۵۸-۱۳۳۸ ه.ش)*، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- بزرگمهر، شیرین (۱۳۷۵). *تأثیر ترجمه متون نمایشی بر تئاتر ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بهارلو، عباس، مرادی کوچی، شهناز (۱۳۸۳). *دانشنامه سینمای ایران*، تهران: نشر قطره.
- تشکری بافقی، علی اکبر (۱۳۷۷). *مشروطیت در یزد، یزد: مرکز یزد شناسی*.
- تهامی نژاد، محمد (۱۳۸۰). *سینمای ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حیدری، آریتا (۱۳۷۰). «کتابشناسی سالن‌های نمایش در تهران»، *فصلنامه تخصصی تئاتر*، شماره ۱۵.
- خنجری، نسربین (۱۳۹۵). *تئاتر زرتشتیان ایران (۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ خورشیدی)*، تهران: افراز.
- دبیرستان انوشیروان دادگر، (۱۳۸۸). *تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی*.
- ستاری، جلال (۱۳۹۴). *سازمان پرورش افکار*، تهران: نشر مرکز.
- سروش سروشیان، جمشید (۱۳۷۱). *تاریخ زرتشتیان کرمان در این چند سده*، تهران: علمی فرهنگی.
- شعاعی، حمید (۲۵۳۵). *نام آوران سینما در ایران*، عبدالحسین سپنتا، بی‌جا.
- شهمردان، رشید (۱۳۶۳). *تاریخ زرتشتیان، فرزندان زرتشتی*، تهران: انتشارات فروهر.
- صدیق، عیسی (۱۳۵۵). *دوره مختصر تاریخ فرهنگ ایران*، چاپ شانزدهم، تهران: شرکت سهامی طبع کتاب.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷). *مدارس جدید در دوره قاجاریه، بانیان و پیشروان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فلاح زاده، مجید (۱۳۸۳). *تاریخ اجتماعی-سیاسی تئاتر در ایران*، تهران: پژوهش‌های کیوان.
- مددپور، محمد (۱۳۷۶). *سیر و سلوک سینمایی*، ج ۲، تهران: انتشارات برگ.
- ملک‌پور، جمشید (۱۳۸۶). *ادبیات نمایشی در ایران*، ج سوم، تهران: انتشارات توس.
- مهرابی، مسعود (۱۳۷۱). *تاریخ سینمای ایران از آغاز تا ۱۳۵۷*، چاپ هفتم، تهران: ماهنامه فیلم.

نوذری، حسینعلی (۱۳۷۶). «مکاتبات علامه محمد اقبال لاهوری و عباس آرام»، تاریخ معاصر ایران، سال اول، ش ۱.

هدایت، مهدیقلی (مخبر السلطنه) (۱۳۴۴). *خاطرات خطرات*، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی زوار.
یادبود سالروز درگذشت پشوتن جی دوسابائی مارکار، (۱۳۴۵). تهران: کمیته آموزشگاه‌ها و پرورشگاه‌ها مارکار.

N.Wilber, Donald, Riza Shah Pahlavi, The resurrection and reconstruction of iran ۱۸۷۸-۱۹۴۴, Exposition firstpress Edition.

مقالات

اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۸۱). «مهرداد بهار، ایران شناس و پژوهشگر اسطوره شناس»، نامه انسان شناسی، دوره اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، صص ۲۱۳ تا ۲۱۶.

افشار، ایرج (۱۳۵۴). «درباره پورداود»، فرهنگ ایران زمین، شماره ۲۱، صص ۱۶ تا ۲۱.

----- (۱۳۸۰). «یاد یحیی ذکاء»، بخارا، سال سوم، شماره ۱۷، صص از ۲۹۳ تا ۳۰۱.

----- (۱۳۸۱). «تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی»، بخارا، شماره ۲۶، صص ۴۰ تا ۶۵.

تبریزی نیا، مجتبی (۱۳۸۰). «یادی از مرحوم مسعود رجب نیا»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال پنجم، شماره ۵، صص ۱۶ تا ۲۱.

حیدری، مریم (۱۳۷۱). «گفتگو با بیژن جلالی»، کلک، شماره ۳۴، صص ۱۹۹ تا ۲۳۵.

ذوالفقاری، ابراهیم (۱۳۸۳). «حسنعلی منصور»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۵، صص ۶۲ تا ۸۹.

رسولی، مرتضی (۱۳۸۲). «زرتشتیان معاصر (گفتگو با بوذرجمهر مهر)»، تاریخ معاصر ایران، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۱۲۳ تا ۱۶۲.

روح‌الامینی، فاطمه بیگم (۱۳۸۶). «مدارس کرمان در دوره مشروطه»، گنجینه اسناد، شماره ۶۶، صص ۵۷ تا ۸۲.

سپهران، کامران (۱۳۸۸). *تناکراسی در عصر مشروطه (۱۲۸۵-۱۳۰۴)*، تهران: انتشارات نیلوفر.

سفرنگ، سهراب (۱۳۵۱). «بازدیدهایی از زمان روان‌شاد ارباب کیخسرو شاهرخ در انجمن زرتشتیان»، هوخ، سال ۲۳، شماره ۴.

صرفه، رستم (۲۵۳۷/۱۳۵۷). «گذری به یزد و کرمان»، هوخ، سال ۲۹، شماره ۷.

علیزاده، محمد علی (۱۳۸۷). «اصلاحات ارباب کیخسرو، نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی»،

بررسی‌های نوین تاریخی، شماره ۴ و ۵، صص ۹۲ تا ۱۲۱.

قاسمی، سید فرید (۱۳۹۰). «سرگذشت ایرج افشار»، کتاب ماه (کلیات)، سال چهاردهم، شماره ۶، صص

۶۲ تا ۷۱.

قاسمی، سید فرید، دهباشی، علی با همکاری ساطعی، طوبی (۱۳۸۱). «گفتگو با مسعود برزین»، تاریخ شفاهی مطبوعات ایران، شماره ۲۵، صص ۱۳۰ تا ۱۴۷.

لهراسب، سروش، «یک نامه»، هوخ، سال ۱۲، شماره ۶.

موقر، مجید (۱۳۱۲). «مجله مهر و سبب نگارش آن»، مهر، سال اول، صص ۱ تا ۹.

هوین، آندرانیک (۱۳۷۲). «سالن تئاتر زرتشتیان»، *چیستا*، شماره ۱۰۴ و ۱۰۵.

----- (۱۳۶۹). «سالن نمایش زرتشتیان و تئاتر سیروس»، *فصلنامه تئاتر*، شماره ۹ و ۱۰.

«دبیرستان فیروز بهرام» (۲۵۳۵). مهنامه زرتشتیان، شماره ۴۴، ۴۵، ۴۶.

«ثبت دبیرستان فیروز بهرام در فهرست آثار ملی» (۱۳۸۰). رشد معلم، سال نوزدهم، شماره ۱۵۷.

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ملی ایران: شناسهٔ بازیابی: ۲۹۷/۳۹۰۳۴. شناسهٔ بازیابی: ۲۹۷/۱۲۱۹۴.

شناسهٔ بازیابی: ۲۹۷/۱۲۲۱۶. شناسهٔ بازیابی: ۲۹۷/۲۶۳۵. شناسهٔ بازیابی: ۲۹۷/۳۷۰۴۸. شناسهٔ بازیابی: ۲۹۷/۱۲۲۲۸. شناسهٔ بازیابی: ۲۹۷/۱۵۷۵۰. شناسهٔ بازیابی: ۲۹۷/۱۲۲۱۶. شناسهٔ بازیابی: ۲۹۰/۵۰۱۲.

پژوهشگاه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شمارهٔ سند: ۴/۱-۲۹-۳۴۵. آ.

سالنامه‌ها

سالنامه آموزشگاه‌های زرتشتیان طهران، سال تحصیلی ۱۳۲۹-۱۳۳۰، تهران: انتشارات دبیرستان فیروز بهرام، اردیبهشت ۱۳۳۰.

سالنامه آموزشگاه‌های زرتشتیان طهران، سال تحصیلی ۱۳۳۴-۱۳۳۵، تهران: انتشارات دبیرستان فیروز بهرام، اردیبهشت ۱۳۳۵.

سالنامه دبیرستان ایرانشهر، یزد: گلپهار، ۱۳۱۷.

سالنامه دبیرستان فیروز بهرام ۱۳۲۲-۱۳۲۳، تهران: شرکت سهامی چاپ، خرداد ۱۳۲۳.

سالنامه دبیرستان کیخسروی، یزد: گلپهار، ۱۳۱۵.

سالنامه فرهنگی یزد، یزد: گلپهار، ۱۳۲۸. *سالنامه فرهنگی یزد*، یزد: گلپهار، ۱۳۲۹. *سالنامه فرهنگی یزد*، یزد: گلپهار، ۱۳۳۲.

پایان نامه، روزنامه و مشروح مذاکرات مجلس

شاهمردانی، آمنه (۱۳۹۳). «مدارس اقلیت‌های دینی و جایگاه آن‌ها در نظام آموزشی ایران از آغاز مشروطه تا پایان حکومت رضاشاه»، کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.

هوا واله، صبر (۱۳۴۴). «روابط پارسیان هند با ایران، پایان‌نامه مقطع دکتری زبان و ادبیات فارسی»، استاد راهنما دکتر محمد مقدم، دانشگاه تهران.

دهلوی، اسمعیل، روزنامه اطلاعات، شماره ۶۹۵، ۱۵ بهمن ۱۳۰۷ ه.ش، ص ۲.

روزنامه اطلاعات، ش ۴۸۴، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷/۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۴۶، ص ۴.

روزنامه اطلاعات، ش ۴۸۵، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۷/۱۸ ذی‌قعدة ۱۳۴۶، ص ۴.

صورت مشروح مذاکرات مجلس، یکشنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۳۰۶ مطابق ۷ شوال ۱۳۴۵، جلسه ۸۴.

<http://www.ion.ir/News/.html۲۶۱۲۲۱>

تصویر: هیئت نمایش زرتشتیان تهران

